

اليزابت لانفورد

# ملكه ويكتوريا

ترجمه و اقتباس:

ذبيح الله منصورى

# دشواری نام‌گزاری

## شاهزاده خانم

روز بیست و چهارم ماه ژوئن سال ۱۸۱۹ میلادی با این که تابستان آغاز شده بود يك مه انبوه فضای لندن و قسمتی از شهرهای جنوب انگلستان را پوشانید و در خیابان‌های لندن عبور وسائل نقلیه متوقف گردید چون رانندگان با این که برای اطلاع دادن بیکدیگر بانك برمیآوردند باز نمی‌توانستند از تصادم احتراز کنند و بهتر آن دیدند که کالسکه‌های کرایه و ارابه‌ها را متوقف نمایند.

در همان روز، شاهزاده گان و شاهزاده خانم‌های انگلیسی و رجال انگلستان ساعت یازده بامداد میباید یکی از کاخ‌های لندن که دارای نمازخانه هم بود بروند تا این که در مراسم تعمید يك شاهزاده خانم نوزاد فرزند دوک دو (کنت) که او هم از شاهزادگان انگلیسی بود حضور بهم رسانند<sup>۱</sup>.

دو نفر از کسانی که آن روز باید در آن کاخ حضور بهم رسانند از برجسته‌ترین رجال انگلستان بشمار می‌آمدند و یکی از آنها (جورج چهارم)

---

۱- تعمید اصطلاح عربی است برای رسانیدن مفهوم نام‌گزاری و بین مسیحیان رسم است که وقتی میخواهند نام بر روی طفل بگذارند او را به کلیسا میبرند و اگر پسر باشد يك مرد پدر تعمیدی او و هرگاه دختر باشد زنی مادر تعمیدی وی می‌گردد و هرگاه آن طفل یتیم شود پدر یا مادر تعمیدی، باندازه توانائی خود باو کمک می‌نمایند و اسم کوچک طفل از روی اسامی کوچک پدر یا مادر تعمیدی انتخاب می‌شود ولی اجباری نیست و می‌توانند نامی دیگر برای طفل انتخاب نمایند - مترجم.

ملقب به (وسواسی) نایب‌السلطنه انگلستان بود و دیگری اسقف کلیسای انگلستان که در آن روز معمد محسوب می‌شد.

ولی چون فضای لندن مستور از مه بود نایب‌السلطنه و اسقف کلیسای انگلستان فکر می‌کردند که نخواهند توانست در آن روز، برای حضور در مراسم تعمید فرزند دوک دو (کنت) بروند زیرا کالسکه از خیابان‌ها عبور نمی‌کرد.

امپراتور روسیه موسوم به (آلکساندر اول) هنگامی که زوجه دوک دو (کنت) باردار بود پیغامی برای دوک فرستاد و گفت میل دارم که پدر تعمیدی فرزند شما بشوم و اگر فرزند شما پسر بود اسم کوچکش را آلکساندر بگذارید و هر گاه دختری بدنیا آمد او را موسوم به (آلکساندر) با (آلکساندرینا) کنید.

دوک دو کنت میل نداشت که امپراتور روسیه پدر تعمیدی فرزندش باشد و نام کوچک خود را روی طفل بگذارد اما نمیتوانست پیشنهاد مردی چون امپراتور روسیه را رد کند.

چون شخصی که پیشنهاد میکند پدر یا مادر تعمیدی یک نوزاد شود و نام کوچک خود را روی او بگذارد چنین نشان میدهد که از روی لطف و محبت داوطلب آن کار شده و رد پیشنهادش، یک توهین بزرگ است و بطریق اولی اگر پیشنهاد دهنده مردی چون امپراتور روسیه باشد نمیتوان پیشنهادش را رد کرد.

ولی آلکساندر اول از روی لطف و محبت نسبت به دوک دو کنت و همسرش پدر تعمیدی نوزاد آنها نمی‌شد بلکه برای مخالفت با (جورج چهارم) نایب‌السلطنه انگلستان داوطلب آن کار گردید.

زیرا امپراتور روسیه میدانست که (جورج چهارم) بطور حتم پدر تعمیدی فرزند دوک دو کنت خواهد شد و نام خود را روی نوزاد خواهد گذاشت و اگر بفهمد که امپراتور روسیه هم پدر تعمیدی، نوزاد شده، سخت متغیر خواهد گردید.

امپراتور روسیه و جورج چهارم ملقب به (وسواسی) خصم یکدیگر

بودند و نمی‌توانستند هم را ببینند و فقط یک چیز سبب شد که آنها پیکار نکنند و آن خطر (ناپلئون) امپراتور فرانسه برای روسیه و انگلستان بود و بیم هر دوی آنها از ناپلئون سبب گردید که علیه وی با یکدیگر متحد شوند و گرچه در آن موقع، (ناپلئون) دیگر امپراتور فرانسه نبود و در زندان جزیره (سنت‌هلن) بسر میبرد ولی حیات داشت و امپراتور روسیه و نایب‌السلطنه انگلستان از مراجعتش می‌ترسیدند.

نایب‌السلطنه انگلستان پدر و مادر نوزاد دستور داده بود که طفل را اگر پسر بود با اسم (جورج) بخوانند و اگر دختری بدنیا آمد نام (جورجینا) را رویش بگذارند.

اما دو روز قبل از روز مراسم تعمید اطلاع حاصل کرد که امپراتور روسیه هم پدر تعمیدی نوزاد شده و با خشم دستور داد که از نهادن اسم او روی طفل خودداری نمایند.

پدر و مادر طفل ناچار باطاعت شدند ولی نمی‌توانستند نام امپراتور روسیه را روی نوزاد که دختر بود نگذارند و میدانستند که اسم کوچک دختر، یا یکی از اسامی کوچک او باید (آلکساندرا) یا (آلکساندرینا) باشد.

باری در روز بیست و چهارم ماه ژوئن سال ۱۸۱۹ که یک ماه از عمر دختر دوک دو کنت و همسرش می‌گذشت طوری فضای لندن از مه اشباع شده بود که نایب‌السلطنه انگلستان و اسقف کلیسای آن کشور فکر کردند که نمیتوانند در مراسم تعمید دختر دوک دو کنت حضور بهم رسانند.

ولی ساعت یازده بامداد، مه زائل شد و وسایل نقلیه در خیابان‌های لندن بحرکت درآمد و چون ساعت دعوت هم یازده بامداد بود، نایب‌السلطنه و اسقف کلیسای انگلستان سوار کالسکه‌های خود شدند و در محل مراسم تعمید حضور بهم رسانیدند و دیگران هم آمده بودند.

۱- از رسم نام‌گذاری در انگلستان که روی یک طفل چند اسم می‌گذاشتند نباید حیرت کرد و ما هم در قدیم همین رسم را داشتیم و روی نوزاد چند اسم می‌گذاشتند و بعضی از ایرانیان قدیم که نامشان در تاریخ ذکر شده چهار یا پنج اسم دارند - مترجم.